السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۚ فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۚ
فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ
اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿٤٣﴾

بداندیشی قبیح را وفرود نمی آید وبال بداندیشی قبیح مگرباهلِ او پس منتظر نیستند مگر آئین عقوبت پیشنیان را پس نخـواهـی یـافـت بـآئین خـدارا تبـدیلی ونخواهی یافت بآئین خدا تغییری (٤٣) .

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۚ وَمَا
كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۚ
إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾

آیا سیرنکرده اند درزمین تاببینند چگونه شدانجام کار آنانکه پیش ازایشان بودند و آنجماعت بودند زیاده ترازایشان درقوت وهرگزنیست که عاجز کند خدارا چیزی درآسمان ها ونه درزمین هرآئینه اوهست داناتوانا (٤٤) .

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا
مِن دَابَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ
فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ﴿٤٥﴾

و اگرگرفتار کردی خدا مردمان را به سزای آنچه میکردند نگذاشتی برپشتِ زمین هیچ جانوری را ولیکن موقوف میدارد ایشانرا تامیعادی معین پس چون آید میعاد ایشان پس هرآئینه خداهست به بندگان خود بینا (٤٥) .

سُورَةُ يس

سوره يس مكى است وآن هشتادوسه آيت وپنج ركوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يس ﴿١﴾

یٰسٓ (١) .

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾

قسم به قرآنِ باحکمت (٢) .

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾

هرآئینه تو ازپیغامبرانی (٣) .

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾

برراهِ راستی (مراد دارم) (٤) .

تَنزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٥﴾

فروفرستادن غالب مهربان (٥) .

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿٦﴾

تابترسانی قومی را که ترسانیده نه شده اند پـدرانِ ایـشـان پس ایشان غـافـلان

اند[1] (٦) .

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝٧

هرآئینه ثابت شد وعدهٔ عذاب براکثر ایشان پس اکثر ایشان ایمان نمی آرند (۷) .

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ
فَهُمْ مُقْمَحُونَ ۝٨

هرآئینه قراردادیم در گردن های ایشان طوق ها پس آن طوقها تا زنخ باشند پس ایشان سربالاکردگانند (۸) .

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا
فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۝٩

وساختیم پیش روی ایشان دیواری وپسِ پشت ایشان دیواری باز پوشیدیم ایشان را پس ایشان هیچ نه بینند[2] (۹) .

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝١٠

وبرابرست برایشان که بیم کنی ایشانرا یا بیم نکنی ایشان را ایمان نیارند (۱۰) .

إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ ۖ
فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۝١١

جزاین نیست که می ترسانی کسی را که پیروی پندکندوبترسد ازخدا غائبانه پس بشارت ده اورابآمرزش ومُزدگرامی (۱۱) .

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ ۚ
وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ۝١٢

هرآئینه ما زنده می‌گردانیم مردگان را ومی نویسیم آنچه پیش فرستادند[3] ومی نویسیم نقش اقدام ایشان را وهرچیزی را احاطه کردیم درکتاب ظاهر[4] (۱۲) .

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا
الْمُرْسَلُونَ ۝١٣

وبیان کن برای ایشان داستانی قصهٔ اهل ده چون آمدند بآن ده پیغامبران (۱۳) .

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ
فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ۝١٤

آنگاه که فرستادیم بسوی ایشان دوکس را پس به دروغ نسبت کردند ایشان را پس قوت دادیم به سومی پس هرسه کس

---

(۱) یعنی دربنی اسماعیل هیچ پیغمبری مبعوث نشده بود .

(۲) مترجم‌گوید این هردو آیت تمثیل وتصویرست یاس ایشان رااز شناختن حق .

(۳) یعنی ازاعمال خیروشر .

(٤) یعنی لوحِ محفوظ .

گفتند هر آئینه مابسوی شما فرستادگانیم
(١٤) .

قَالُوْا مَآ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ۙ وَمَآ اَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ
مِنْ شَیْءٍ ۙ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَكْذِبُوْنَ ﴿١٥﴾

اهل ده‌گفتند نیستید شما مگرآدمی مانندِما
وفرونه فرستاده است رحمن هیچ چیز
نیستید شما مگر دروغ میگوئید (١٥) .

قَالُوْا رَبُّنَا یَعْلَمُ اِنَّآ اِلَیْكُمْ لَمُرْسَلُوْنَ ﴿١٦﴾

گفتند پروردگار ماميداند که هرآئینه
مابسوی شما فرستادگانیم (١٦) .

وَمَا عَلَیْنَآ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِیْنُ ﴿١٧﴾

ونیست برما مگر پیغام رسانیدن ظاهر
(١٧) .

قَالُوْٓا اِنَّا تَطَیَّرْنَا بِكُمْ ۚ لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهُوْا لَنَرْجُمَنَّكُمْ
وَلَیَمَسَّنَّكُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِیْمٌ ﴿١٨﴾

گفتند هرآئینه ماشگون بد گرفتیم به
شما اگر بازنآئید البته سنگ سارکنیم
شمارا والبته برسد به شما ازجانب
ماعقوبتِ درد دهنده (١٨) .

قَالُوْا طَآئِرُكُمْ مَّعَكُمْ ۚ اَئِنْ ذُكِّرْتُمْ ۚ بَلْ اَنْتُمْ
قَوْمٌ مُّسْرِفُوْنَ ﴿١٩﴾

گفتند شگون بدشما همراه شما ست
آیا اگر پندداده شود شمارا برشگون بدحمل
کنید بلکه شماگروهی ازحدگذشته اید
(١٩) .

وَجَآءَ مِنْ اَقْصَا الْمَدِیْنَةِ رَجُلٌ یَّسْعٰی قَالَ یٰقَوْمِ
اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِیْنَ ۙ ﴿٢٠﴾

وآمد ازدور ترین محل های آن شهر مردی
شتابان گفت ای قومِ من پیروی کنید آن
پیغامبران را (٢٠) .

اتَّبِعُوْا مَنْ لَّا یَسْـَٔلُكُمْ اَجْرًا وَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ ﴿٢١﴾

پیروی کنید کسی را که نمی طلبد ازشما
هیچ مزدی وایشان راه یافتگانند (٢١) .

وَمَالِیَ لَآ اَعْبُدُ الَّذِیْ فَطَرَنِیْ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٢٢﴾

وچیست مرا که عبادت نه کنم معبودی را
که بیافرید مرا وبسوی وی بازگردانیده
خواهید شد (٢٢) .

ءَاَتَّخِذُ مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً اِنْ یُّرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّیْ
شَفَاعَتُهُمْ شَیْـًٔا وَّلَا یُنْقِذُوْنِ ۚ ﴿٢٣﴾

آیا بجزوی معبودانی گیرم ا گربخواهد
خدای تعالی درحق من زیانی دفع نه
کندازمن شفاعتِ ایشان چیزی را

وازایشان خلاص نکنندمرا (۲۳) .

إِنِّيٓ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾

هرآئینه من آنگاه درگمراهی ظاهر باشم (۲٤) .

إِنِّيٓ ءَامَنتُ بِرَبِّكُمۡ فَٱسۡمَعُونِ ﴿٢٥﴾

هرآئینه من ایمان آوردم به پروردگارشما پس بشنویدازمن[1] (۲۵) .

قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ ﴿٢٦﴾

گفته شداورا درآی به بهشت گفت ای کاش قومِ من میدانستند (۲٦) .

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ﴿٢٧﴾

که به چه چیزبیامرزید مرا پروردگارمن وساخت مرا ازنواختگان (۲۷) .

وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ ﴿٢٨﴾

وفرود نیاوردیم برقوم او بعدازو هیچ لشکری ازآسمان ونیستیم ما فرودآرنده لشکر (۲۸) .

إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ ﴿٢٩﴾

نه بود عقوبتِ ایشان مگر یك فریادِ تند پس ناگهان ایشان چون آتش فرومرده شدند (۲۹) .

يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِۚ مَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٣٠﴾

ای وای بربندگان نمی آیدبدیشان هیچ فرستاده مگر باواو تمسخر می کردند (۳۰) .

أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ﴿٣١﴾

آیا نه دیدند چه قدر هلاك ساختیم پیش ازایشان طبقاتِ مردمان را که آنجماعت بسوی ایشان بازنمی آیند (۳۱) .

وَإِن كُلّٞ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ﴿٣٢﴾

ونیست هرطبقه مگر جمع آورده نزد ماحاضر کرده شده (۳۲) .

وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ ﴿٣٣﴾

و نشانه هست برای ایشان زمین مرده زنده‌گردانیدیم آن را وبرآوردیم ازآن دانه پس ازآن دانه میخورند (۳۳) .

وَجَعَلۡنَا فِيهَا جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَٰبٖ وَفَجَّرۡنَا فِيهَا مِنَ

وآفریدیم درزمین بوستان ها ازدرختانِ

(۱) مترجم‌گوید اهل ده آنراشهید ساختند والله اعلم .

الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾

خرما ودرختان انگور وروان ساختیم درآن بوستان چشمه ها (٣٤) .

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾

تابخورند ازمیوه آنچه مذکورشد ونه ساخته است میوه را دست های ایشان آیا پس شکر نمی کنند (٣٥) .

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ
أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾

پاکست آنکه آفرید اجناس راتمام آن ازآنچه میرویاندش زمین وازجنسِ آدمیان وازآنچه ایشان نمی دانند (٣٦) .

وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾

ونشانه هست ایشانرا شب مانند پوست می کشیم ازوی روز را پس ناگهان ایشان در تاریکی آیندگان باشند (٣٧) .

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾

وآفتاب میرود براهی که قرارگاهِ ویست اینست اندازهٔ خدای غالب دانا (٣٨) .

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾

وماه مقرر کردیم برای او منزل ها تاآن که بازگردد مانند چوبِ کهنه خوشهٔ خرما (٣٩) .

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ
وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

نه خورشید می سزدش که دریابد ماه را ونه شب سبقت کننده است برروز[١] وهریکی ازخورشید وماه وستاره هادرآسمانی سیر میکنند (٤٠) .

وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾

ونشانه هست ایشانرا که مابرداشتیم قوم بنی آدم را درکشتی پُرکرده شده (٤١) .

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾

وآفریدیم برای ایشان مانندِ کشتی آنچه سوارمی شوند برآن[٢] (٤٢) .

(١) یعنی پیش ازانقضای روزنمی آید .

(٢) یعنی شتروفیل .

وَإِنْ نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٤٣﴾

واگر خواهیم غرق کنیم ایشان را پس هیچ فریاد رس نه باشدبرای ایشان ونه ایشان رها کرده شوند(٤٣) .

إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾

لیکن رحمت کردیم ازجانب خود وبهره مند ساختیم تامدتی (٤٤) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾

وچون گفته شود بایشان که بترسید از عقوبتی که پیش دستهای شما باشدواز عقوبتی که پس پشت شماباشد بُوَدکه برشما رحم کرده شود (٤٥) .

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾

اعراض کنند و نمی آیدبدیشان هیچ نشانه از پروردگار ایشان الاّازآن روگردان باشند (٤٦) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٧﴾

وچون گفته شود بایشان که خرج کنیدازآنچه روزی داده ست شمارا خدای تعالی گویند کافران به مسلمانان آیاطعام دهیم کسی را که اگرخدای تعالی می خواست طعام دادی اورا نیستید شما مگر درگمراهی ظاهر (٤٧) .

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾

ومی‌گویندکافران کَی باشداین وعده اگر راستگوئید (٤٨) .

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾

انتظار نمی کشند مگریك نعرهٔ تند را که بگیرد ایشان را وایشان خصومت کنان باشند (٤٩) .

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾

پس نتوانند وصیت کردن ونه باهل خود بازگردند (٥٠) .

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾

ودمیده شود درصور پس ناگهان ایشان ازقبرها بسوی پروردگارخویش

بشتابند (٥١) .

قَالُوْا يٰوَيْلَنَا مَنْۢ بَعَثَنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا ۜ هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ ﴿٥٢﴾

گويند اى واى برما كه برخيزانيد مارا ازخواب گاهِ ما آرى اين هما نست كه وعده داده بود خداى تعالى وراست گفتند پيغامبران (٥٢) .

اِنْ كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً فَاِذَا هُمْ جَمِيْعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُوْنَ ﴿٥٣﴾

نباشد اين واقعه مگرنعرهٔ تندى پس ناگهان ايشان جمع آورده نزد ماحاضر كرده شده باشند (٥٣) .

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا وَّلَا تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٥٤﴾

پس امروزستم كرده نخواهد شدبرهيچ كس هيچ ستمى وجزا داده نه خواهيد شدالاّبحسب آنچه ميكرديد (٥٤) .

اِنَّ اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِيْ شُغُلٍ فٰكِهُوْنَ ﴿٥٥﴾

هرآئينه اهل بهشت امروز دركارى هستند شادانند (٥٥) .

هُمْ وَاَزْوَاجُهُمْ فِيْ ظِلٰلٍ عَلَى الْاَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔوْنَ ﴿٥٦﴾

ايشان وزنانِ ايشان درسايه ها بر تخت هانشيننده اند (٥٦) .

لَهُمْ فِيْهَا فَاكِهَةٌ وَّلَهُمْ مَّا يَدَّعُوْنَ ﴿٥٧﴾

ايشان راست دربهشت ميوه وايشان راست آنچه طلب كنند (٥٧) .

سَلٰمٌ ۣ قَوْلًا مِّنْ رَّبٍّ رَّحِيْمٍ ﴿٥٨﴾

گفته شود سلام باد ازجانب پروردگار مهربان (٥٨) .

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ اَيُّهَا الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٥٩﴾

وبگوئيم جداشويد امروز اى گناه گاران (٥٩) .

اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يٰبَنِيْٓ اٰدَمَ اَنْ لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطٰنَ ۚ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿٦٠﴾

آياحكم نه فرستاده بودم بسوى شما اى اولادِ آدم كه مپرستيد شيطان را هرآئينه وى شمارا دشمنِ آشكاراست (٦٠) .

وَّاَنِ اعْبُدُوْنِيْ ۚ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿٦١﴾

وآنكه بپرستيد مرا اين ست راه راست (٦١) .

وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيْرًا ۭ اَفَلَمْ تَكُوْنُوْا تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٢﴾

وهرآئينه گمراه ساخت شيطان ازقوم

شماخلقِ بسياررا آيانمی دانستيد (٦٢) .

هٰذِهٖ جَهَنَّمُ الَّتِيْ كُنْتُمْ تُوْعَدُوْنَ ﴿٦٣﴾

اين آن دوزخ ست که وعده داده می شد شمارا (٦٣) .

اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿٦٤﴾

درآئيد بآن امروز به سبب کافربودنِ خود (٦٤) .

اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰٓى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَآ اَيْدِيْهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٦٥﴾

امروز مُهرنهيم بردهان های ايشان وسخن گويد باما دست های ايشان و گواهی دهد پاهای ايشان بآنچه می کردند (٦٥) .

وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا عَلٰٓى اَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنّٰى يُبْصِرُوْنَ ﴿٦٦﴾

وا گرخواهيم نابودکنيم چشم های ايشان را پس سبقت کنند بسوی راه پس ازکجابببينند (٦٦) .

وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنٰهُمْ عَلٰى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوْا مُضِيًّا وَّلَا يَرْجِعُوْنَ ﴿٦٧﴾

وا گرخواهيم مسخ کنيم ايشان را برجای ايشان پس نه توانند گذشتن ازآن جا و باز نه گردند (٦٧) .

وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى الْخَلْقِ اَفَلَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٦٨﴾

وهرکه را عمر دراز ميدهيم نگونسار می کنيمش درآفرينش آيا درنمی يابند (٦٨) .

وَمَا عَلَّمْنٰهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْۢبَغِيْ لَهٗ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَّقُرْاٰنٌ مُّبِيْنٌ ﴿٦٩﴾

ونياموختيم اين پيغامبررا شعر ولائق نيست اورا نيست اين مگرپند وقرآنِ آشکارا (٦٩) .

لِّيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَّيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧٠﴾

تا بترساند هرکه زنده باشد[1] وثابت شودحجت بر کافران (٧٠) .

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِّمَّا عَمِلَتْ اَيْدِيْنَآ اَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مٰلِكُوْنَ ﴿٧١﴾

آيانه ديدند که ماآفريديم برای ايشان ازآنچه ساخته است دست های ماچهارپايان

(١) يعنی صاحبِ فهم باشد .

را پس ایشان آنرا مالکا نند (٧١) .

وَذَلَّلْنٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوْبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُوْنَ ﴿٧٢﴾

ورام ساختیم چهار پایان را برای ایشان پس بعض ازآن سواری ایشانست و بعض ازآن را میخورند (٧٢) .

وَلَهُمْ فِيْهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ ۭ اَفَلَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٧٣﴾

وایشانراست درچهار پایان منفعت هاوآشامیدنیهاآیاشکرنمی گزارند (٧٣) .

وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿٧٤﴾

و گرفتند سوای خدا معبودان را تابُوَدکه ایشان یاری داده شوند (٧٤) .

لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ نَصْرَهُمْ ۙ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُوْنَ ﴿٧٥﴾

نه توانند یاری کردنِ ایشان واین بتان برای ایشان لشکری حاضر کرده شده اند (٧٥) .

فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ اِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّوْنَ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ﴿٧٦﴾

پس اندوه گین نکند ترا سخن ایشان هرآئینه مامیدانیم آنچه پنهان میکنند وآنچه آشکارمی نمایند (٧٦) .

اَوَلَمْ يَرَ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ نُّطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ خَصِيْمٌ مُّبِيْنٌ ﴿٧٧﴾

آیاندانسته است آدمی که ما آفریدیم اورا ازنطفه پس نا گهان وی خصومت کننده آشکار شد (٧٧) .

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَّنَسِيَ خَلْقَهٗ ۭ قَالَ مَنْ يُّحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيْمٌ ﴿٧٨﴾

زد برای ما مثالی وفراموش کرد آفرینش خودرا گفت که زنده کند استخوان هارا درحالتی که آن کهنه شده باشند (٧٨) .

قُلْ يُحْيِيْهَا الَّذِيْٓ اَنْشَاَهَآ اَوَّلَ مَرَّةٍ ۭ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيْمُۨ ﴿٧٩﴾

بگوزنده کندش آن که آفریداورا اوّل بار واوبهرقسم آفرینش داناست (٧٩) .

الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الشَّجَرِ الْاَخْضَرِ نَارًا فَاِذَآ اَنْتُمْ مِّنْهُ تُوْقِدُوْنَ ﴿٨٠﴾

آنکه پیداکرد برای شما ازدرخت سبز آتش را پس نا گهان شماازآن درخت آتش می افروزید (٨٠) .

اَوَلَيْسَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِقٰدِرٍ عَلٰٓي اَنْ يَّخْلُقَ

آیا نیست آنکه آفرید آسمان ها وزمین را

مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾

توانا برآنکه بیآفریند مانند ایشان بلی واوست آفرینندهٔ دانا (٨١) .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾

جزاین نیست فرمانِ خدا چون بخواهد آفریدن چیزی را که بگویدش بشوپس می شود (٨٢) .

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

پس پاك ست آنکه بدستِ اوست پادشاهی هرچیز وبسوی اوباز گردانیده شوید (٨٣) .

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

سوره صفت مکی است وآن یك صد وهشتاد ودو آیت وپنج رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾

قسم بجماعتی ازملائکه که صف میکشند صف کشیدنی[1] (١) .

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾

پس قسم بجماعتی میرانند راندنی[2] (٢) .

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾

پس قسم بجماعتی که تلاوت میکنند تلاوت کردنی (٣) .

إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾

هرآئینه معبود شمایکی ست (٤) .

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿٥﴾

اوپروردگارِ آسمان هاوزمین ست وآنچه درمیان این هاست واوپروردگارِ مشرق هاست[3] (٥) .

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾

هرآئینه ماآرائش دادیم آسمانِ دنیا را

---

(١) مترجم گوید یعنی نزدیك پروردگارخود .

(٢) مترجم گوید یعنی شیاطین را والله اعلم .

(٣) یعنی و مغرب هانیز .